نکته:

۱. چنان که گفتیم، احتیاط برای مکلفین جایز است (چه مجتهد بالفعل باشند و چه دارای ملکه اجتهاد باشند و چه هیچکدام را دارا نباشند و مقلد باشند / و چه مجتهد مطلق باشند و چه مجتهد متجزّی باشند)

۲. حال: این سوال مطرح است که کسی که میخواهد احتیاط کند، آیا در «جواز احتیاط» باید تقلید یا اجتهاد کند؟ و آیا در طریقه و روش احتیاط کردن باید اجتهاد و تقلید کند؟

۳. اصل این مسئله در حقیقت در دو مقام قابل بحث است:

الف) آیا «اصل اینکه احتیاط جایز است»، یک حکم اجتهادی و یا تقلیدی است؟

ب) آیا «چگونگی احتیاط» یک مسئله اجتهاد و یا تقلیدی است؟

الف)

۱.صاحب عروه، اصل جواز احتیاط را یک حکم اجتهادی و یا تقلیدی بر می‌شمرد:

«مسألة ۵ : فی مسألة جواز الاحتیاط یلزم أن یکون مجتهداً أو مقلداً ، لأن المسألة خلافیة.»[۱]

۲. مراد ایشان آن است که:

وقتی مکلف با علم اجمالی به تکالیف متعدد مواجه می شود، عقل او حکم به ضرورت تحصیل مؤمن عمل می‌کند. ولی در مرحله اول، عقل تنها دو چیز را مؤمن می‌داند یکی تقلید از عالم و یکی اجتهاد و شناختن ظنی حکم. ولی بعد که خود مجتهد شد و یا به مجتهد رجوع کرد، در می‌یابد که «مؤمن سومی» هم وجود دارد که عبارت است از احتیاط.

۳. مرحوم خویی این مطلب را چنین توضیح می دهد:

«لأن جواز الاحتیاط لیس من المسائل القطعیة الّتی لا تحتاج إلی الاجتهاد والتقلید ، وإنما هو مورد الخلاف فلا مناص فی الاستناد إلی الاحتیاط من تحصیل العلم بجوازه ومشروعیته اجتهاداً أو تقلیداً ، وسرّه أنه لو لم یقلّد من یجوّز الاحتیاط ولم یجتهد فی جوازه ، بل احتاط مع احتماله عدم الجواز لم یطمئن بعدم العقاب ، لفرض احتمال الحرمة وکونه مستحقاً للعقاب بارتکابه ، وحیث إن العقل یری وجوب دفع الضرر المحتمل بمعنی العقاب ویجب أن یکون المکلف مأموناً من جهته ، فلا مناص من أن یستند فی جوازه إلی التقلید أو الاجتهاد ، إذ لا مؤمّن غیرهما .»[۲]

۴. اما به نظر می‌رسد که این مطلب کامل نیست چرا که:

---

[۱] . عروة الوثقی، ج۱، ص۱۰

[۲] . التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج۱، ص۵۶

وقتی مکلف با «وجوب عقلی تحصیل مؤمن» مواجه می‌شود، عقل او به سبب بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم تقلید را به عنوان مؤمن معرفی می‌کند و به سبب «حجیت عقلایی شناخت حکم شرعی»، اجتهاد را برای او به عنوان مؤمن معرفی می کند و به سبب حجیت عقلی موافقت اجمالی، احتیاط را برای او به عنوان مؤمن معرفی می کند. و لذا مکلف برای اتخاذ یکی از این سه راه محتاج دیگری نیست.

۵. اما اینکه «در حجیت موافقت اجمالی (احتیاط) شبهه شده است» با توجه به اینکه ما این شبهه‌ها را با اتکا به حجیت عقلایی رد کردیم، ضرری به حجیت عقلایی احتیاط نمی‌زند. و الا می توان گفت که در حجیت تقلید و اجتهاد هم شبهه شده است و لذا باید در اصل «اتخاذ تقلید» هم قائل شویم به این که مکلف باید تقلید کند.

۶. توجه شود که اگر ما شبهه‌های عقلی در حجیت و مؤمن بودن اجتهاد، تقلید و احتیاط را پذیرفته باشیم میتوانیم، فهم ابتدایی عرف (مبنی بر حجیت این امور را) تخطئه کنیم ولی وقتی به سبب ادله عقلی و عقلایی (و نه با استناد به ادله شرعی که برای عرف قابل دستیابی نیست) حجیت این امور را ثابت کردیم، می توانیم بگوییم حجیت این امور، قابل تقلید یا اجتهاد نیست. (و پیش از رجوع به تقلید و اجتهاد، عقل مکلف باید با تمسک به فطرت خود به آن واصل شود)